



Scientific Journal Quarterly of Middle East Studies

Vol ۳۲. No ۲. Summer ۲۰۲۰

Received date: ۲۰۲۰,۰۵,۰۲

Acceptance date: ۲۰۲۰,۰۶,۰۷



مرکز پژوهش‌های علمی و
مطالعات استراتژیک خاورمیانه

Home page: www.cmess.sinaweb.net

DOR: ۲۰,۱۰۰۱,۱,۱۵۶,۱۹۸۶,۱۴۰۴,۳۲,۲,۲,۱

Considering the role of the developmental state in Iran, the Emirates and Qatar from the perspective of Peter Evans (۱۹۷۸-۲۰۲۰)

Ehsan Eilshahi^۱



Abstract

The transition to sustainable economic growth—comparable to an airplane's take-off—is a critical and often difficult phase for developing countries. Many falters during this stage due to structural and institutional challenges. This paper, grounded in Peter Evans' theories, analyzes the role of government interventions in economic development across Iran, the UAE, and Qatar from ۱۹۷۸ to ۲۰۲۰. It investigates why Iran's efforts at industrial and economic modernization have not succeeded, despite the presence of some innovation system elements and state involvement. Through a developmental lens and using an institutional, comparative-historical methodology, the study draws on library sources and current online data, analyzed via qualitative content analysis. The comparative findings show that while the UAE and Qatar managed to establish innovation-supportive institutions and effective governmental roles, Iran lagged due to insufficient institutional evolution and the failure to cultivate catalytic and nurturing state functions. Moreover, Iran did not form the interactive, systemic innovation network needed for sustained economic progress. These shortcomings significantly hindered the country's development trajectory compared to its regional peers.

Keywords: Developmental State, Economic Development, Institutionalism, Iran, UAE, Qatar.

^۱ - Ph.D. in Political Science, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.



مرکز پژوهش‌های علمی و
مطالعات استراتژیک خاورمیانه

فصلنامه علمی مطالعات خاورمیانه

سال ۳۲، شماره ۲، پیاپی (۱۲۰)، تابستان ۱۴۰۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۱۷

Home page: www.cmess.sinaweb.net

DOR: ۲۰.۱۰۰۱.۱.۱۵۶۰۱۹۸۶.۱۴۰۴.۳۲.۲.۲.۱

نوع مقاله: پژوهشی

بررسی نقش دولت توسعه‌گرا در ایران، امارات و قطر از منظر دیدگاه پتر اوانز (۱۹۷۸-۲۰۲۵)

احسان ایل‌شاهی^۱



چکیده

پیدایش نیروهای محرکه و زیرساخت‌های توسعه اقتصادی پایدار و ظرفیت‌سازی اجرایی دولت در بسترهای داخلی و بین‌المللی مساعد، دشوارترین فاز توسعه و مشابه مرحله برخاستن از زمین برای یک هوایما است. پس از مرحله کنده شدن از موانع و قرار گرفتن در یک دالان پروازی امن است که کشور در مسیر رشدی پایدار، توأم با انعطاف‌پذیری قرار می‌گیرد. کشورهای در حال توسعه، درست در مرحله تیک آف^۲ دچار مشکل شده و به زمین می‌خورند. این مقاله بر مبنای نظریات پتر اوانز به مطالعه اقدامات و مداخلات دولتی برای توسعه اقتصادی در ایران، امارات و قطر در بازه زمانی ۱۹۷۸-۲۰۲۵ می‌پردازد. در این مقاله با بررسی نقش‌های متفاوت دولت سعی شده تا به مقایسه دلیل موفقیت و یا عدم موفقیت ایران نسبت به کشورهای امارات و قطر پرداخته شود. در این یادداشت تلاش شده به این پرسش پاسخ داده شود که چرا علی‌رغم اقدامات و مداخلات دولتی و با وجود سطحی از عوامل نظام نوآوری، برنامه‌های اقتصادی ایران به موفقیت نینجامید؟ این مقاله از نظر هدف توسعه‌ای و از نظر روش نهادی، تطبیقی است و داده‌های آن با روش کتابخانه‌ای، منابع به‌روز اینترنتی گردآوری و به نوعی تحلیل محتوای کیفی شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که با ملاحظه تجارب مشابه در امارات و قطر، عدم تکامل نهادی مثبت، عدم ایجاد نقش قابله‌گری و پرورشگری مناسب دولت و همچنین شکل نگرفتن رابطه تعاملی نظام‌مند میان سطحی از عناصر نوآوری، موجب شد نظام نوآوری در کشور شکل نگرفته و برنامه توسعه اقتصادی ایران در بازه زمانی مذکور، به موفقیت نینجامد.

واژگان کلیدی: دولت توسعه‌گرا، توسعه اقتصادی، نهادگرایی، ایران، امارات، قطر.

۱ - دانش‌آموخته دکتری علوم سیاسی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Ehsan1987.i@gmail.com

۲ - Take Off

مقدمه و بیان مسئله

در حالی که کشورهای پیشگام توسعه از جامعه شروع کرده‌اند، در اقتصادهای توسعه یافته نوظهور و جوامعی که به تازگی از خواب برخاسته و وارد کانال توسعه شدند، این نظام حکمرانی است که اسباب پیشرفت را تدارک می‌بیند. در این خصوص نظام حکمرانی توسعه‌گرا، به دو بال «گفتمان و نظم» نیاز دارد. تحولات در دنیای امروز به قدری سریع شده‌اند که همیشه احساس می‌کنیم از بخشی از تحولات عقب مانده‌ایم. اگر بخواهیم در این مسیر گام برداریم و عقب نمانیم، باید تحولات روز را درک کنیم و از همه مهم‌تر تاریخ را نیز فراموش نکنیم. منظور از تحولات امروزی در این پژوهش، توسعه می‌باشد که بسیاری از کشورها چه توسعه یافته و یا در حال توسعه با آن دست به گریبان هستند. میردال توسعه را فرایندی پیچیده و پویا می‌داند که در آن اثرات برهم فزاینده‌ای پدیدار می‌شود (Myrdal, ۱۹۷۴: ۷۳۵). توسعه یک راه است و با شناختی کامل باید آن را پیمود و نمی‌توان با شک و شبهه در آن مسیر قدم نهاد. توسعه فرایند بهبود پایدار شکوفایی و نیک زیستی ذهنی و عینی و گستره انتخاب شهروندان است که با ارتقاء پایدار شرایط اقتصادی، نهادمندی حوزه سیاسی، انسجام اجتماعی، تعالی فرهنگی، پایداری زیست محیطی و صلح و امنیت درون و برون مرزی به طور سیستمی تحقق می‌یابد (درخشان و همکاران، ۱۴۰۳: ۲۳۹). در بطن ایده توسعه، این فرض اساسی وجود دارد که ساختارها و فرایندها در همه جوامع، از اشکال ساده سنت‌گرایی به حالت پیچیده مدرنیته متحول می‌شود. جوامع مدرن یا در حال نوسازی در ویژگی‌ها و فرایندهای ساختاری عمده اقتصادی، اجتماعی و سرانجام سیاسی‌شان با هم وجه اشتراک دارند (Huntington, ۱۹۷۱: ۲۸۶). توسعه یک مفهوم کیفی و بسیط است و برای آنکه بتوان آن را درک کرد، از شاخصی به‌عنوان شاخص ترکیبی توسعه استفاده می‌شود. شاخص ترکیبی توسعه یک مفهوم جامع و فراگیر است که از بخش‌های مختلفی تشکیل شده و ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و حتی زیست محیطی را نیز در بر می‌گیرد. در این مقاله تلاش شده به این پرسش پاسخ داده شود که چرا علی‌رغم اقدامات و مداخلات دولتی و با وجود سطحی از عوامل نظام نوآوری، برنامه نوسازی صنعتی و اقتصادی ایران به موفقیت نینجامید؟ فرضیه پژوهش بیانگر آن است که با ملاحظه تجارب مشابه در امارات و قطر، عدم تکامل نهادی مثبت، عدم ایجاد نقش قابله‌گری و پرورشگری مناسب دولت و همچنین شکل نگرفتن رابطه تعاملی نظام‌مند میان سطحی از عناصر نوآوری، موجب شد نظام نوآوری در کشور شکل نگرفته و برنامه توسعه اقتصادی ایران در بازه زمانی

مذکور، به موفقیت نینجامد. به طور کلی، هدف این پژوهش تمرکز بر روی نقش دولت توسعه‌گرا در توسعه اقتصادی و پیشرفت کشورهای ایران، امارات و قطر می‌باشد.

پیشینه پژوهش

در زمینه نهادگرایی و مفهوم دولت‌های توسعه‌گرا مطالب، کتب و مقالات متعددی به چاپ رسیده است. از پیشگامان موضوع نهادگرایی، داگلاس نورث، عجم اغلو و رابینسون و در خصوص موضوع دولت‌های توسعه‌گرا، چالمرز جانسون، آدریان لفت‌ویچ و پیتر اوانز از مهم‌ترین نظریه‌پردازان این مهم می‌باشند. همچنین از جمله مقالاتی که در سال‌های اخیر به این موضوع پرداخته‌اند می‌توان به عبیدیان و مرزبانی (۱۴۰۳)، به بررسی شاخص‌های موثر در توسعه اقتصادی و گذر از رکود اقتصادی ناشی از بحران کرونا، بشیری و همکاران (۱۴۰۳) به بررسی روند توسعه از منظر دیدگاه آدریان لفت‌ویچ، اسکندرزاده و همکاران (۱۴۰۱)، مقایسه سیاست‌های اقتصادی دولت‌های جمهوری اسلامی ایران و امارات متحده عربی و بررسی جایگاه سرمایه‌گذاری خارجی در سیاست‌های اقتصادی آنها از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۲۰، شهراضی (۱۴۰۱)، فرصت‌های راهبردی در روابط اقتصادی ایران و قطر، فهندژ و قلندری (۱۴۰۱)، چشم‌انداز اقتصادی و اجتماعی قطر، عباسی و محمودی (۱۳۹۸)، به بررسی و نقش‌های دولت در برنامه سوم جمهوری اسلامی از منظر نهادگرایی جدید، شیرزادی (۱۳۹۷)، به بررسی توسعه و توسعه انسانی در قطر، سوری (۱۳۹۷)، به آنالیز محیط داخلی و خارجی قطر بر اساس ماتریس SWOT^۱ اشاره کرد.

همان‌طور که ملاحظه می‌فرمایید موارد فوق از جمله مواردی هستند که با عناوین مختلف به مطالعه وضعیت ایران، امارت و قطر پرداخته‌اند. این مقاله به بررسی موضوع توسعه اقتصادی پرداخته و این درحالی است که در موارد یاد شده به همچین مواردی اشاره نداشته‌اند. مضاف بر اینکه در این پژوهش از نگاه دولت توسعه‌گرای از منظر دیدگاه پیتر اوانز انجام شده که در نوع خود کار بسیار بدیع و بی‌نظیری است. در نهایت در پژوهش انجام شده به صورت تطبیقی بین سه کشور ایران، امارت و قطر در بازه زمانی بعد از انقلاب ج.ا.ا (۱۹۸۷-۲۰۲۵) پرداخته که تقریباً بازه زمانی بیشتری مورد مطالعه قرار گرفته که خود نشان از اهمیت موضوع و تازگی پژوهش می‌باشد.

۱ - SWOT (strengths, weaknesses, opportunities, and threats) analysis

چارچوب نظری

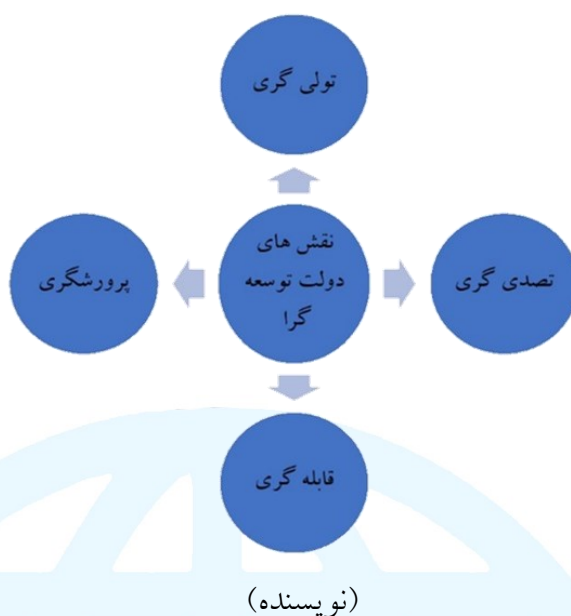
نقش فعال و مثبت یک دولت می‌تواند عامل تعیین‌کننده‌ای در سرعت گرفتن توسعه یک کشور داشته باشد. دولت‌ها می‌توانند توسعه‌گرا باشند. برخی دولت‌ها قادر هستند چشم‌اندازهای کارآفرینی درازمدت را میان نخبگان بخش خصوصی تقویت کنند و در زمینه آموزش و پرورش و زیرساخت‌ها به سرمایه‌گذاری بنیادی بپردازند. وجود دیوان‌سالاری اقتصادی توانمند و منسجم یکی از ویژگی‌های ساختاری و کلیدی دولت توسعه‌گرا است (اوانز، ۱۳۸۰: ۲۴-۲۳). میزان بزرگ شدن یک اقتصاد با حجم آن نسبت دارد اما حجم آن هم نتیجه رشدش است. بنابراین، اقتصاد از رشد روی رشد بهره می‌برد. توسعه اقتصادی بیشتر شبیه شکوفایی جنگل است تا آنکه به رشد یک درخت شبیه باشد (فرانکلین و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۶۵). توسعه اقتصادی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ابعاد توسعه، در عمیق‌ترین لایه‌های پژوهشی خود دو مبحث تعمق در روابط انسانی و مدیریت توزیع و تولید منابع و ثروت سرزمینی در کشور را در مفهوم اقتصاد سیاسی مورد مطالعه قرار می‌دهد (نقدی، ۱۴۰۱: ۳). دولت از منظر لفت‌ویچ، دولتی برنامه‌ریز، ایدئولوژیک و یا از سوی دیگر، دولتی نظارت‌کننده و لیبرال نیست. در واقع هدف لفت‌ویچ گذر از این تقسیم‌بندی‌ها به نوعی دیگر از نوع‌شناسی دولت در ارتباط با توسعه است که در آن نه میزان دخالت دولت، بلکه نحوه دخالت آن، نه فعالیت بیشتر یا کمتر دولت، بلکه فعالیت بهتر یا بدتر آن، نه شکل و قالب دولت بلکه ماهیت و کارکرد دولت و نه اقتدار بودن/نبودن بلکه توانمندی، عدم توانمندی حاکمیتی آن مد نظر است (لفت‌ویچ، ۱۴۰۰: ۱۴). نظریه نهادگرایی بیش از آنکه در علوم سیاسی مطرح باشد، نظریه‌ای است که ریشه در علم اقتصاد دارد. اصل اساسی تفکر نهادگرایی بر این حقیقت استوار است که بازار به تنهایی تضمین‌کننده توزیع و تخصیص بهینه منابع نیست، بلکه ساختار سازمان نهادی و قدرت در جامعه است که تخصیص منابع را صورت می‌دهد و یا به جای اینکه قیمت و توزیع کالاها و خدمات را تابعی از نظام عرضه و تقاضا در یک بازار مفهومی صرف بداند، نظام عرضه و تقاضا را تابعی از ساختار قدرت، ثروت و نهادها می‌داند (تمدن جهرمی، ۱۳۸۳: ۴۴).

میان اقتصاد، سیاست، جامعه، فرهنگ و دانش هیچ مرزی وجود ندارد: محال است که کشوری به رشد اقتصادی برسد و طبقه متوسط در آن پدیدار نشود و محال است که طبقه متوسط پدیدار بشود اما مردم سالاری در آن کشور حاکم نشود و محال است مردم سالاری پدید آید اما دانش در آن رشد نکند و محال است دانش در کشوری رشد کند اما رشد اقتصادی در آن پدیدار نشود و این چرخ همچنان

می‌چرخد (ارکان‌زاده و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۲). برای اینکه یک کشور از لحاظ اقتصادی و سیاسی رشد چشمگیری داشته باشد به یک ابر تغییر^۱ نیاز دارد. به این معنی که تغییرات در مقیاس بزرگ با سرعت بسیار بالایی رخ دهند و این از موضوعاتی که به بر دوش نهاد دولت آن کشور می‌باشد. پیتر اوانز استاد دولت در اقتصاد معتقد است برای اینکه یک دولت از ظرفیت مناسب جهت ایفای نقش مثبت در توسعه اقتصادی برخوردار باشد، خودگردانی یا استقلال بوروکراسی «وبری» و از سوی دیگر عمق اتکای دولت به جامعه با هم مرتبط باشند. مفهوم محوری «خودگردانی یا استقلال متکی به جامعه» وی را قادر می‌سازد تا بین دولت‌های یغماگر، توسعه‌گرا و میانی تمایز قائل شده و موقعیت برخی دولت‌ها را در توسعه اقتصادی به دلیل ایفای نقش‌های جدیدی همچون «قابلیگی» و «پرورشگری» علاوه بر «تولی» و «تصدی» گذشته ارزیابی کند. در این مقاله به بررسی نقش و میزان نوع دخالت و نه مقدار آن در ایجاد توسعه اقتصادی پرداخته شده است. بحث اصلی اوانز این است که حفظ تعادل بین خودگردانی و اتکا به جامعه، کلید موفقیت دولت در تغییر تحولات اقتصادی است. بنابراین جهت فهم بهتر موضوع به صورت مختصر به بررسی نقش‌های دولت و انواع دولت از منظر رویکرد نهادی پیتر اوانز می‌پردازیم:

۱. نقش متولی‌گری: نقشی قانون‌گذار، مواظب و مراقب توسط دولت که همین قوانین ابتدایی و دست و پاگیر مانع اصلی برای تحول است.
۲. نقش متصدی‌گری: دولت نقش تولیدکننده را به خود می‌گیرد؛ مستقیم درگیر فعالیت‌های تولیدی و جایگزین اصلی برای بخش خصوصی است.
۳. نقش قابله‌گری: تشویق بخش خصوصی به ایفای نقش کارآفرین اولویت این نقش است. این تشویق می‌تواند به صورت برپا کردن گلخانه (حمایت از صنایع داخلی)، دادن سوبسید، محدود کردن واردات و وضع تعرفه، تشویق کارآفرینی داخلی، سرمایه‌های داخلی و خارجی باشد.
۴. نقش پرورشگری: بعد از ظهور گروه‌های کارآفرین نوبت به حمایت از آنهاست، چرا که در چالش‌های جدید و فراز و فرود تحولات بازار جهانی، قدرت مقاومت و رشد پیدا کنند.

شکل ۱. نقش دولت‌های توسعه‌گرا



۱. دولت توسعه‌گرا

- ✓ دولتی است که ترکیب استقلال و اتکا به جامعه در آن وجود داشته باشد.
- ✓ خودگردانی و اتکا به اجتماع را در کنار هم دارد.
- ✓ نه تنها تحول صنعتی را سرپرستی نمی‌کند بلکه در ایجاد تحول نقش ایفا می‌کند.
- ✓ وجود شایسته‌سالاری قوی که باعث ایجاد مسئولیت و حس همبستگی سازمانی است.

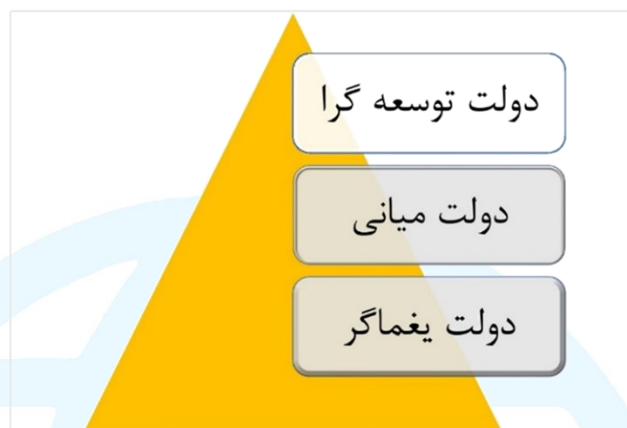
۲. دولت یغماگر

- ✓ این دولت نقطه مقابل دولت توسعه‌گرا است.
- ✓ فقدان قانون‌مندی، جایگزینی روابط به جای ضوابط، شکاف زیاد بین قدرت سیاسی و اجتماعی و عدم انسجام دیوانی.
- ✓ از جامعه مایه می‌گذارد و حتی در مفهوم انباشت سرمایه نیز به توسعه اهمیت نمی‌دهد.
- ✓ روابط شخصی تنها منبع همیشگی و به حداکثر رساندن منافع فردی بر پیگیری اهداف جمعی
- ✓ رابطه با اجتماع در رابطه تک‌تک مقامات مسئول خلاصه می‌شود نه رابطه بین رای‌دهندگان و دولت در قالب یک تشکیلات و سازمان.

۳. دولت میانه

✓ حد فاصل دو دولت قبلی است. آمیزه‌های ناقص از ترکیب ذکر شده، فقدان گزینشگری برای پروژه‌های تحول صنعتی و عدم پیش‌بینی آینده از ویژگی‌های این نوع دولت‌ها است.

شکل ۲. انواع دولت



(نویسنده)

روش تحقیق

در این پژوهش از روش رهیافت نهادگرایی بر مبنای نظریات پیتر اوانز و رویکردهای نقش دولت برای تحلیل و واکاوی توسعه اقتصادی در کشورهای ایران، امارت و قطر در محدوده زمانی ۱۹۷۸-۲۰۲۵ میلادی استفاده شده است. مطالعه نهادهای سیاسی نقش اصلی در هویت علوم سیاسی دارد. اکشتاین اظهار می‌دارد که علوم سیاسی به‌عنوان یک رشته مطالعاتی مجزا و مستقل از روان‌شناسی، اقتصاد سیاسی و حتی جامعه‌شناسی ظاهر شده و نوعی تمایل برای تاکید بر مطالعه ترتیب‌های رسمی-قانونی ایجاد کرده است (Eckstein, ۱۹۶۳: ۱۰-۱۱). مقایسه میان کشورهای نسبتاً مشابه باعث می‌شود تا برخی تفاوت‌ها نادیده گرفته شده و در نتیجه تحلیل بهتری از دیگر کشورها امکان‌پذیر شود (Dogan & ۱۳۳: ۱۹۹۰, Pelasy). در این تحقیق از مطالعات کتابخانه‌ای و به روز اینترنتی استفاده و جهت بررسی بهتر موضوع مقایسه توسعه سعی شده تا با بررسی چند شاخص توسعه اقتصادی که در قسمت یافته‌های پژوهش به آن اشاره خواهد شد تا به واکاوی علت موفقیت امارات و قطر از یک سو و از سوی دیگر عدم کامیابی ایران در این فرایند بپردازیم.

امارات

امارات متحده عربی دارای یک اقتصاد بازار آزاد است که در آن قیمت کالاها و خدمات توسط سیستم قیمت آزاد تعیین می‌شود. امارات وسیع‌ترین کشور خاورمیانه بعد از عربستان می‌باشد که درآمد آن مانند ایران تنها از طریق صادرات نفت و گاز میسر می‌شد؛ اما امروزه می‌بینیم که سهم بخش غیر نفتی در صادرات به شدت افزایش یافته، به طوری که تولید ناخالص داخلی این کشور در سال ۲۰۲۳ بر مبنای آمار بانک جهانی به رقم ۵۱۴ میلیارد دلار رسیده است. واردات امارات تجهیزات رسانه‌ای، نفت پالایش شده، طلا، الماس، خودرو و تسلیحات نظامی و صادرات آن بیشتر نفت و سوخت‌های معدنی، سنگ‌های قیمتی و فلزات، و ماشین آلات الکتریکی می‌باشد. برخی از منابع درآمدی غیر نفتی امارات عبارت هستند از:

- ✓ صادرات موارد غیر نفتی از جمله: طلا، آلومینیوم، جواهرات، سیم مسی و پلیمرهای اتیلن
- ✓ سفر و گردشگری
- ✓ فناوری اطلاعات و ارتباطات
- ✓ کشاورزی
- ✓ صنعت هواپیمایی
- ✓ صنعت فوتبال

بر اساس گزارش فایننس میدل ایست تجارت غیر نفتی امارات در سال ۲۰۲۴ خارج از بخش نفت و گاز به رکورد ۳ تریلیون درهم برابر ۸۱۶ میلیارد دلار رسیده که این عدد باعث رشد ۱۴.۶ درصدی نسبت به سال گذشته آن شده است. تقویت هویت خانواده، ترویج هویت اماراتی و پیشرفت‌های در زمینه فناوری هوش مصنوعی، سه اولویت کلیدی هستند که اخیراً توسط شیخ محمد بن راشد آل مکتوم، نائب رئیس و نخست‌وزیر امارات در راستای ایجاد یک جامعه پیشرفته با تکیه بر ارزش‌های سنتی و نوآوری‌های مدرن مطرح شده است. دولت توسعه‌گرای امارات قصد دارد تا با تمرکز بر تقویت تنوع اقتصادی، جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی، و توسعه زیرساخت‌ها و با اجرای استراتژی‌های اقتصادی متنوع، سهم بخش‌های غیر نفتی را افزایش دهد و به یک مرکز جهانی برای تجارت، فناوری و گردشگری تبدیل شود. پروژه‌های عظیم در زمینه‌های زیرساخت‌ها، املاک، و انرژی‌های تجدیدپذیر جزء اصلی این برنامه‌ها هستند. پیش‌بینی می‌شود که عرضه مسکن در دبی در سال‌های ۲۰۲۵-۲۰۲۶ به حدود ۱۸۲,۰۰۰ واحد برسد.

دستورکار برنامه اقتصادی D۳۳^۱ و چشم‌انداز ۲۰۳۰ امارات به طور خاص بر توسعه بخش‌های نوظهور مانند فناوری، اقتصاد سبز، و شهرهای هوشمند تمرکز دارند و هدف آنها افزایش سهم بخش‌های غیر نفتی و کاهش وابستگی به نفت است. از دیدگاه پیتر اوانز، دولت امارات به معنای واقعی کلمه در نقش پرورشگری گام برداشته و با حمایت از کارآفرین‌های داخلی و یا خارجی موفق شده تا سرمایه‌گذاری آنها در کشور امارات به‌ویژه در شهرهای اصلی دبی و جبل علی رونق پیدا کند. دولت امارات با ایجاد تحول و تاسیس ریزنهادهای کارآمد و مناسب توانسته گام بسیار محکمی در عرصه‌های بین‌المللی بردارد و از شاه بندرهای (دبی و جبل علی) ایجاد شده در منطقه به معنای واقعی سود ببرد. اخیراً امارات از سندی حاوی ۱۰ اصل راهبردی در مسیر توسعه رونمایی کرده و همه نهادهای دولتی موظف کرده تا از آن دستورالعمل‌ها در اجرای و اداره امور استفاده نمایند. این ۱۰ اصل راهبردی به طور خلاصه عبارت هستند از:

- ❖ تقویت اتحادیه، نهادها، قوانین، صلاحیت‌ها و بودجه آن
- ❖ تمرکز کامل برای ایجاد بهترین و پویاترین اقتصاد جهان و حفظ دستاوردهای ۵۰ سال گذشته
- ❖ استفاده از سیاست خارجی به‌عنوان ابزاری مناسب برای رسیدن به اهداف عالی ملی و خدمت به اقتصاد
- ❖ رشد سرمایه انسانی، توسعه سیستم آموزشی، جذب استعدادها، حفظ متخصصان و ایجاد مهارت‌های مستمر
- ❖ حسن همسایگی و همجواری و ایجاد روابط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی پایدار و مثبت با کشورهای همسایه
- ❖ تقویت اعتبار امارات به‌عنوان یک مقصد اقتصادی، گردشگری، صنعتی، سرمایه‌گذاری و فرهنگی در سطح جهانی به‌عنوان یک مأموریت ملی برای همه نهادها
- ❖ ایجاد برتری دیجیتالی، فنی و علمی و تحکیم موقعیت آن به‌عنوان پایگاهی برای استعدادها، شرکت‌ها و سرمایه‌گذاری
- ❖ برقراری یک نظام ارزشی بر مبنای مدارا و همزیستی، حفظ حقوق، تحکیم حاکمیت قانون، حفظ کرامت انسانی، احترام به فرهنگ‌ها، گشودگی و برادری انسانی از طریق سیاست خارجی

❖ ارائه کمک‌های بشردوستانه به مثابه یک وظیفه اخلاقی بدون توجه به دین، نژاد، رنگ، فرهنگ و حتی وجود اختلاف سیاسی با یک کشور

❖ اساس سیاست خارجی امارات خواهان صلح، هماهنگی، مذاکره و گفتگو برای حل همه اختلافات سیاسی، و تلاش با شرکای منطقه‌ای و دوستان جهانی برای ایجاد صلح و ثبات منطقه‌ای و جهانی

دولت حالت عام ندارد و از لحاظ ساختاری و رابطه‌اش با جامعه حالت‌های بسیار متفاوتی دارد. انواع مختلف ساختارهای دولت، ظرفیت‌های کنشی متفاوتی پدید می‌آورند. این ساختار است که نقش‌هایی را که دولت می‌تواند ایفا کند، مشخص می‌کند. حاصل کار نیز به تناسب این نقش‌ها با بستر مورد نظر و خوب ایفا کردن این نقش‌ها بستگی دارد (اوانز، ۱۳۸۰: ۴۵). امارات با تبدیل نقش دولت از تولی‌گری به پرورشگری توانسته در این مدت حرفی برای گفتن پیدا کند و جایگاه خوبی چه در منطقه خاورمیانه و چه در سطح جهانی برای خود ایجاد کند.

قطر

کشف و استخراج نفت در سال ۱۹۳۹ به تدریج اقتصاد قطر را از اقتصادی سنتی به اقتصادی درآمدزا تبدیل نمود و در سال‌های اخیر با کشف و استخراج منابع عظیم گاز این کشور را در ردیف یکی از ثروتمندترین کشورهای دنیا قرار داده است. دولت قطر برنامه‌ریزی گسترده را در جهت کاهش وابستگی اقتصاد قطر به نفت و گاز در دست اجرا دارد. به گزارش واحد مطالعات اقتصادی^۱ کشور قطر از نظر فرصت‌های بازاری سیاست‌های دولتی برای واحدهای تولیدی کوچک و قدرت رقابت در جهان، سیاست‌های دولت برای سرمایه‌گذاران خارجی، سطح کنترل بر تجارت و نرخ تبادل ارز، مالیات‌ها، تأمین مالی طرح‌ها، بازار کار و زیرساخت‌ها در موقعیتی است که توجه بسیاری از سرمایه‌گذاران را به خود جلب کرده است. از طرف دیگر ثبات اقتصادی این کشور حوزه خلیج فارس نیز یکی دیگر مسائلی است که ریسک سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهد و سبب می‌شود هر روز بر شمار سرمایه‌گذاران خارجی در این کشور افزوده شود. طبق آمارهای موجود سرانه تولیدات ناخالص داخلی این کشور کوچک عضو شورای همکاری خلیج فارس معادل سه چهارم کشورهای اروپایی است و با توجه به سیاست‌های این کشور تا رسیدن به اقتصادهای برتر جهان راه درازی باقی نمانده است.

در کنار نفت، قطر یکی از بزرگ‌ترین دارندگان گاز طبیعی در جهان است. این کشور با اکتشافات اخیر که در سال ۲۰۲۴ انجام داده است میزان ذخایر گازی خود را به ۲ هزار تریلیون متر مکعب رسانده است. امروزه قطر نه به دلیل حجم ذخایر نفتی بلکه به دلیل پتانسیل بالا در تولید و صادرات گاز طبیعی و گاز طبیعی مایع مورد توجه سرمایه‌داران بزرگی همچون آمریکا است. کشور قطر هم اکنون مرکز بانکداری کشورهای حوزه خلیج فارس است و انتظار می‌رود تا چند سال آینده این نقش پررنگ‌تر شود.

قطر از سال ۱۹۷۳، وارد عرصه تولید نفت و سپس گاز شد. بر مبنای پژوهش‌های انجام شده توسط صندوق توسعه اقتصادی و اجتماعی عربی در سال ۲۰۲۴، ذخایر قطعی نفت خام قطر به ۲۵.۲ میلیارد بشکه می‌رسد که برای ۳۴۰ سال کافی است. طبق فهرست اوایل پرایس آمریکا که متخصص در زمینه انرژی و نفت است، قطر در ذخایر گازی با ۲۴.۷ تریلیون متر مکعب در جایگاه سوم جهان قرار دارد. روسیه، ایران و قطر هر کدام به ترتیب ۱۹/۹۰، ۱۷/۱ و ۱۳ درصد گاز جهان را تولید می‌کنند، اما اهمیت و موفقیت قابل توجه قطر در تولید و صادرات گاز مایع است. قطر، علاوه بر درآمدهای هیدروکربنی دارای درآمدهای دیگری می‌باشد که بخشی از درآمدهای غیر نفتی قطر عبارت هستند از:

- ✓ املاک و ساختمان‌ها
- ✓ خدمات مالی و بانکداری
- ✓ سفر و گردشگری
- ✓ هوش مصنوعی
- ✓ هواپیمایی
- ✓ صنعت فوتبال

قطری‌ها بعد از روسیه و ایران سومین ذخایر گازی جهان را در اختیار دارند. بزرگ‌ترین میدان گازی مشترک جهان در خلیج فارس، پارس جنوبی در ایران و گنبد شمالی در قطر می‌باشد. اخیراً اهمیت استراتژیک قطر در بازار گاز با توجه به تحریم روسیه از سوی کشورهای غربی به دلیل شروع جنگ با اوکراین بیشتر هم شده است. به‌ویژه آنکه سرمایه‌گذاری قطر در زیرساخت‌های تولید و توزیع گاز مایع طبیعی^۱ در سال‌های گذشته حالا این کشور را برای اروپایی‌ها به یک صادرکننده مهم تبدیل کرده است.

از سویی، با توجه به موقعیت جغرافیایی قطر در حاشیه جنوبی خلیج فارس، چون صادرات گاز از طریق خط لوله دشوار است، قطری‌ها، زیرساخت‌های گاز مایع طبیعی خود را توسعه داده‌اند و این اقدام نیز بر جهش تجاری آنها افزوده است. این کشور حتی به پشتوانه قدرت مالی خود تا کنون در بسیاری از مناقشات منطقه‌ای حضور یافته و به‌عنوان یک واسطه دیپلماتیک بی‌طرف، روابط قوی با بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی برقرار کرده و تا حدودی نیز موفق بوده است. آن گونه که خاندان ثانی با سیاست ارث برده از حمد، در سند چشم‌انداز ملی قطر^۱ را تا سال ۲۰۳۰، کشوری عربی کاملاً توسعه یافته، ثروتمند، متعهد به حقوق شهروندان، پایبند به مشارکت سیاسی، آزادی بیان، انتخابات آزاد، حامی حقوق انجمن‌ها و اجتماعات سیاسی، منحصر در تفکیک دین و سیاست، دارای انحصار در نخبه‌گرایی، نیروی انسانی توانمند و فناورمحور، و قلعه‌ای امن برای جهانیان خسته و درگیر با جنگ، بی‌آبی، فقر غذا، بیکاری، خشم و جنایت و بی‌عدالتی می‌داند.

هرچند حکومت قطر از نوع پادشاهی و موروثی است اما به خوبی توانسته پس از اعلام استقلال خود از بریتانیا در سال ۱۹۷۱ جایگاه بسیار قابل قبولی در ۵۰ سال اخیر برای خود پیدا کند. قطر به دلیل اجرای چشم‌انداز قطر ۲۰۳۰ در تلاش برای تنوع بخشیدن به اقتصاد، به دنبال یافتن تعادلی بین اقتصاد مبتنی بر نفت و اقتصاد دانش محورتر است. قطر بهترین مدل برای تنوع اقتصادی در خلیج فارس و خاورمیانه محسوب می‌شود که یک فضای تجاری پایدار را تضمین می‌کند. اقتصاد قطر یکی از قوی‌ترین اقتصادهای منطقه و یکی از آینده‌دارترین اقتصادهای جهان است. قطر بزرگ‌ترین صادرکننده گاز طبیعی مایع در جهان محسوب می‌شود و در سال گذشته میلادی ۲۰۲۴ بر اساس داده موسسه کپلر^۲ با صادرات ۸۱.۲ میلیون تن جایگاه اول جهان را پس از آمریکا و استرالیا و اول خاورمیانه را به خود اختصاص داد. ذخیره گازی قطر، برای حداقل ۱۵۰ سال آینده کافی تخمین زده شده است. تولید نفت این کشور روزی ۶۱۶.۰۰۰ تا ۸۵۰.۰۰۰ هزار بشکه در زمان اوج است و بیشتر مشتری‌های نفت و مواد پتروشیمی قطر، کشورهای آسیایی مانند ژاپن هستند. توازن میان سنت و پیشرفت، چشم‌انداز ۲۰۳۰ قطر را به‌عنوان برنامه‌ای برای توسعه پایدار، رفع چالش‌های نیروی کار و رشد اقتصادی هم‌زمان با حفظ هویت فرهنگی، تعریف می‌کند. چشم‌انداز ملی قطر ۲۰۳۰ که در سال ۲۰۰۸ رونمایی شد، به‌عنوان یک نقشه راه برای توسعه پایدار وعده داده بود که این کشور را به یک جامعه پیشرفته تبدیل

۱ - Qatar National Vision ۲۰۳۰

۲ - Kpler

کند و آینده‌ای شکوفا برای نسل‌های آینده را تضمین نماید. این برنامه بلندپروازانه نه تنها جهت‌گیری سیاست‌های قطر را شکل داده، بلکه تعهد این کشور به ایجاد توازن میان مدرنیته و سنت‌های غنی خود را نیز تقویت کرده است. در قلب این چشم‌انداز، تعهد به عدالت، آزادی، برابری، تقویت امنیت و ثبات و نیکوکاری نهفته است که اصول مندرج در قانون اساسی قطر را منعکس می‌کند. این چارچوب چیزی فراتر از یک آرمان است. این چشم‌انداز، دولت را در مواجهه با چالش‌های مدرنیزاسیون، مدیریت منابع و پایداری محیط‌زیست هدایت می‌کند. اصول راهبردی چشم‌انداز ملی قطر ۲۰۳۰ به صورت خلاصه به شرح ذیل عبارت هستند از:

- ❖ **توازن مدرنیزاسیون و سنت:** حفظ تعادل بین مدرنیزاسیون و حفظ سنت‌ها
- ❖ **نیازهای امروز و فردا:** ایجاد پایداری و عدالت بین نسلی به‌عنوان سنگ‌بنای استراتژی
- ❖ **رشد هدفمند و استفاده بهینه از نیروهای کار مهاجر:** جذب نیروهای کار مهاجر برای پیشرفت و توسعه و اهداف ملی کشور
- ❖ **مدیریت محیط‌زیست:** استفاده از فناوری‌های پیشرفته برای کاهش اثرات زیست‌محیطی پروژه‌ها و پایبندی به استانداردهای بین‌المللی حفاظت از محیط‌زیست
- ❖ **توسعه انسانی:** توسعه شهروندان خود از طریق آموزش و پرورش در سطح جهانی و تمرکز بر پرورش تفکر انتقادی، خلاقیت و نوآوری
- ❖ **توسعه اجتماعی:** ایجاد عدالت اجتماعی، ایمنی و یکپارچگی اخلاقی به جهت مشارکت معنادار در سطوح محلی و بین‌المللی
- ❖ **توسعه اقتصادی:** کاهش وابستگی به هیدروکربن‌ها از طریق تنوع‌بخشی، ایجاد اقتصادی رقابتی برای فراهم آوردن یک استاندارد زندگی بالا برای شهروندان، تعادل بین مدیریت منابع، رشد اقتصادی و رفاه اجتماعی
- ❖ **توسعه زیست‌محیطی:** تضمین رشد پایدار با هماهنگی کردن پیشرفت اقتصادی و اجتماعی با حفاظت از محیط‌زیست

با دستور کار قرار دادن سند چشم‌انداز فوق، قطر نه تنها آینده خود را تضمین می‌کند، بلکه الگویی برای سایر کشورهایی که گذار مشابهی را تجربه می‌کنند، ارائه می‌دهد. حکومت قطر در طول ۵۰ سال

اخیر توانسته بین اثرات توسعه و ویژگی‌های ساختاری دولت به نحو درستی پیوند برقرار کند و کشور را به سمت و سوی توسعه پیش براند.

ایران

قبل از انقلاب جمهوری اسلامی ایران، اکثر کشورهای منطقه حوزه خلیج فارس سیاست یا نهادی نداشتند که هدفشان به معنای واقعی توسعه باشد. در آن زمان ایران با وضع برنامه‌های توسعه اقتصادی روند مناسبی را پیش گرفته بود و تقریباً نسبت به کشورهای حوزه خلیج فارس از وضعیت بسیار بهتری برخوردار بود و به نوعی در ریل توسعه افتاده بود که به دلیل وقوع انقلاب ج.ا.ا و تحمیل یک جنگ ناخواسته و وضع تحریم‌های ظالمانه آمریکا در سال بعد از جنگ برنامه‌های توسعه اقتصادی و پیشروی در منطقه به معنای واقعی متوقف شد. آنچه امارات و قطر را در حال حاضر از ایران جدا می‌کند، بیشترین تفاوت در آمیزه‌های نقش‌های دولت است که کمتر در ساختار این دولت و پیوندهایش با جامعه ریشه داشته است. اگر بر اساس داده‌های آماری خام ایران را با امارات و قطر مقایسه کنیم، ایران بر اساس نظریات پیتر اوانز جزو کشورهای میانی (دولت‌های میانه) با نقش متمایل به تصدی‌گری محسوب می‌گردد.

اتکای شدید به صادرات مواد استخراجی، ظرفیت دولت را دچار فرسایش کرده است. با توجه به اهمیت نفت در اقتصاد ایران ممکن است بتوان گفت که چنین فرضی در مورد ایران درست است اما ظرفیت تمام دولت‌هایی که متکی به نفت هستند رو به فرسایش نمی‌رود. نروژ نمونه‌ای است که با اتکا به نفت توانسته اتکا به جامعه را تثبیت کند و یا حتی در ۵۰ سال اخیر شاهد بوده‌ایم که کشورهای نفتی با اتکا به فروش نفت و گاز خود و همچنین بهره‌وری از یک دولت با نقش پرورشگری درست توانسته‌اند کشورشان را ریل صحیح توسعه قرار دهند. از سوی دیگر، فقدان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی^۱، شکل‌گیری دو انقلاب اجتماعی سیاسی گسترده (انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی)، انقلاب‌های فرهنگی دیروز و امروز، جنگ تحمیلی خانمان‌سوز و مهم‌تر از همه شکل‌گیری شکاف‌های سیاسی متقاطع و آشتی‌ناپذیر بین نخبگان کشور، گسترش مالکیت دولت حتی با اقدام به فرایند خصوصی‌سازی، ناتوانی از اتخاذ رویکردی مثبت در سیاست خارجی و تعامل در سطح جهانی، عطف به ماسبق شدن قوانین در حوزه صنعت، تداخل و موازی کاری در بدنه حقوق عمومی، سیاست‌های

۱ - Foreign Direct Investment

ضد و نقیض و مباحث هسته‌ای سالهاست که موضوع توسعه کشور را تحت‌الشعاع خود قرار داده است. حتی هم اکنون که شاهد آن هستیم با شروع مذاکرات ایران و آمریکا در سال ۲۰۲۵، اقتصاد ایران بسیار دچار تلاطم شده و هیچگونه ثباتی ندارد.

با مطالعه نهادی ساختار دولتی در ایران آنچه قابل فهم است این است که در ایران دولت همواره بزرگ، ناکارآمد و یغماگر و در بهترین شرایط در ردیف دولت‌های میانه قرار می‌گیرد و تنها توانسته به ایفای نقش‌های تولی‌گری و تصدی‌گری در حوزه صنعت و اقتصاد پردازد، چرا که نه از ویژگی استقلال دیوانی بهره‌مند بوده (فقدان شایسته‌سالاری و نظام حقوقی منسجم، تقویت رابطه‌بازی به جای ضابطه، ابهام و پیچیدگی) و نه ارتباط منطقی با جامعه داشته است. نهایت امر اینکه نهادها و سازمان‌های به وجود آمده و سیاست‌های اتخاذ شده بیشتر ناشی از ضرورت دولت بوده و نه ضرورت جامعه. در چنین ساختار نهادی جایی برای بخش خصوصی، کارآفرینی و پروژه‌های مشترک در معنای واقعی وجود نخواهد داشت و تحول صنعتی و پیشرفت تحت‌الشعاع چنین ساختار نهادی قرار گرفته و همواره در هاله‌ای از ابهام باقی مانده است.

ایران با توجه به موقعیت ژئوپلیتیک و همسایگی با بخش مهمی از اقتصادهای نوظهور می‌تواند هم در جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در صنایع (نفتی و غیر نفتی) انرژی و کالا با تمرکز بر انتقال فناوری مورد هدف قرار گیرد و هم می‌تواند با توجه به نزدیکی جغرافیایی از الگوهای تولید نوسپاری و درون‌سپاری در راستای متنوع‌سازی اقتصادی پیروی کند (یوسفیان و همکاران، ۱۴۰۱: ۹). ایران گرچه در مؤلفه‌های جغرافیا، جمعیت، قوای نظامی و فرهنگ دست بالایی را در جهان دارد، اما در مؤلفه اقتصاد از جایگاهی شکننده، غیر مستحکم و آسیب‌پذیر برخوردار است. تحریم و محاصره اقتصادی ایران طی سال‌های اخیر بحران داخلی بزرگی برای معیشت مردم و زیرساخت‌های کشور و منافع ملی ایجاد کرده و نزدیک به ۱۲۰۰ میلیارد دلار به کشور خسارت وارد نموده است. تحریم موجب کاهش ورود سرمایه‌گذار خارجی، ایجاد نوسانات شدید ارزی، افزایش تورم و نقدینگی، ایجاد رانت و فساد اقتصادی، عدم تجارت آزاد با جهان، کاهش چشمگیر صادرات، و... شده است.

ایران یکی از بزرگ‌ترین دارندگان ذخایر گاز جهان، و حتی بسیاری معتقدند بالاتر از روسیه می‌باشد. طبیعی است که ایران در صدر صادرکنندگان مهم جهان باشد و سهم قابل توجهی از بازار جهانی را به خود اختصاص دهد اما در عمل این طور نیست. علت اصلی این معضل اولویت نبودن اقتصاد در کشور و تحریم‌های همه جانبه و ممانعت آمریکا از صادرات گاز ایران و عدم جذابیت برای سرمایه‌گذار

خارجی جهت ورود به ایران است، که تا کنون میلیاردها دلار به منافع ملی ایران خسارت وارد کرده است. همان طور که می‌دانیم اقتصاد ایران حکومتی و حکومت ایران نیز نفتی است. با تحریم نفت ایران اعتبار پول ملی و حکومت ایران در جهان فوراً و بی‌وقفه ریزش می‌کند و موجب بحران‌های اقتصادی و اجتماعی می‌شود. لذا برای عقب نماندن از قطار توسعه جهان و حتی کشورهای عرب خلیج فارس، تلاش برای رفع تحریم و ایجاد تغییرات بنیادین در اقتصاد ایران و تسریع واقعی خصوصی‌سازی ضرورتی مبرم است.

بر اساس گزارش بانک جهانی، رتبه سرانه تولید ناخالص داخلی ایران از ۱۸ جهان در سال ۲۰۱۲ اکنون به رتبه ۳۵ در سال ۲۰۲۴ جهان سقوط کرده و سرانه تولید ناخالص داخلی ایران برای شهروندان ایرانی در مقایسه با اعراب خلیج فارس و حتی در مقایسه با بسیاری از کشورهای آسیایی بسیار ضعیف و نامطلوب است. دولت‌های عرب در خلیج فارس با وجود درآمدهای سرشار از منابع رانتی، تحت تأثیر پدیده جهانی شدن اقتصاد، در راستای کاهش حجم دولت و تلاش برای برقراری یک اقتصاد باز اقدام نموده‌اند (اشرف نظری و همکاران، ۱۳۹۰: ۲) و این در شرایطی است که ایران از چابکی لازم برای دستیابی به یک توسعه همه جانبه به دلایل متعدد برخوردار نیست. دستیابی به رشد و رونق اقتصادی در شرایط رقابتی عصر حاضر، بدون ایجاد محیط مساعد برای ظهور و رشد کسب و کارهای کارآفرینانه و نوآور امکان‌پذیر نیست. کارآفرینی موتور رشد اقتصادی است که بدون آن رشد بهره‌وری و خلق مشاغل جدید بسیار دشوار خواهد بود. هرچند امارات و قطر نسبت به اجرای برنامه‌های اقتصادی خودشان که به ترتیب تا سال‌های ۲۰۳۳ و ۲۰۳۰ تدوین کرده بودند، تا این لحظه موفق ظاهر شده‌اند، متأسفانه ایران تا کنون نتوانسته سند چشم‌انداز اقتصادی خود را که تا سال ۱۴۰۴ (۲۰۲۵) به تصویب رسانیده بود را به معنای واقعی به مرحله اجرا درآورد و به رشد اقتصادی مورد نظر و مطلوب خود یعنی (۸٪) به طور صحیح دست پیدا کند.

یافته‌های پژوهش

نقش حاکمیت، فراهم کردن زمینه‌ای است که مردم بتوانند با تلاش خودشان به رویاها و آرمان‌هایشان دست یابند. وظیفه حاکمیت این است که به مردم اختیار عمل بدهد نه اینکه صاحب اختیار آنها باشد (آل مکتوم، ۱۴۰۳: ۱۲). کارایی، درباره کار بیشتر انجام دادن و اثربخشی درباره کار درست انجام دادن است (کلیر، ۱۴۰۰: ۸). امارات و قطر، با یک نگاه واقع‌بینانه به مسائل موجود و با اتخاذ یک سیاست مناسب توانستند در ۵۰ سال گذشته به اثربخشی مطلوب خود در نقش حاکمیت برسند و در جایگاه

قابل قبولی نسبت به ایران که زمانی بالاتر از کشورهای حوزه خلیج فارس بود بایستند. جهت درک بهتر از وضعیت موجود، به بررسی برخی از شاخص‌های اقتصادی به شرح ذیل می‌پردازیم.

امارات و قطر با احیای صحیح روابط دولت با جامعه، پایه‌گذاری دیوان‌سالاری مطلوب و مدرن، برقراری بستر جهانی مناسب توانستند با تعامل و گفتگوی بهتر، راه برای کشورشان هموار کنند به گونه‌ای که کشورهایی که حتی زمانی سیستم حمل و نقل مناسبی نداشتند، هم اکنون و بنا به گزارش موسسه ایرلاین ریتینگز^۱ که بررسی رتبه‌بندی و ایمنی خطوط هوایی جهان را بر عهده دارد، امارات را در رتبه چهارم، قطر را در جایگاه ۱۰ و خطوط هواپیمایی ایران را در رتبه ۲۳۶ در سال ۲۰۲۵ دسته‌بندی کرده است.

در سال‌های اخیر، امارات، با سرمایه‌گذاری در فوتبال و خرید باشگاه منچستر سیتی در سال ۲۰۰۸ به قیمت ۲۱۰ میلیون پوند نه تنها منجر به تغییر در مدیریت باشگاه شد، بلکه زمینه رشد قابل توجه سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها، بازیکنان و کادر فنی را نیز فراهم آورد. از سوی دیگر، قطر با معامله با باشگاه‌های فوتبال اروپایی یا خرید آنها به دلیل ماهیت فرا ملی بازیگران ورزشی غیر دولتی موجب شد تا در سال‌های اخیر بتواند به میزبانی چند مورد از جمله بازی‌های آسیایی ۲۰۰۶ دوحه، جام فوتبال آسیا ۲۰۱۱، مسابقات سالانه تنیس آزاد قطر و جام جهانی فوتبال ۲۰۲۲ دست پیدا کند. این در صورتی است که در ایران، سهم اقتصاد ورزش از اقتصاد کشور با میانگین جهانی در کشورهای توسعه یافته فاصله‌ای بسیار دارد و به تبع آن سهم صنعت فوتبال نیز قابل توجه نخواهد بود.

بر مبنای مطالعات بانک جهانی از میان ۱۸۰ کشور در سال ۲۰۲۳، امارات رتبه ۶۸، قطر رتبه ۵۸ و ایران رتبه ۲۴ را در شاخص ادراک فساد به دست آورده‌اند و این به آن معنا است که میزان فساد در میان مقامات دولتی و سیاستمداران ایران نسبت به کشورهای امارات و قطر بیشتر می‌باشد که این موضوع بسیار رنج‌آور است.

از سوی دیگر، به دلیل عدم ثبات سیاسی منطقه‌ای و ایران‌هراسی‌ای که در سال‌های اخیر توسط دشمنان جمهوری اسلامی ایران شده، وضعیت گردشگری ایران نسبت به امارات و قطر کمتر شده است. دبی یا دوحه، این دو شهر درست مثل دو خواهر هستند؛ یکی آرام، متفکر و دلنشین و دیگری جسور، پر زرق و برق و پرهیاهو. بانک جهانی در سال ۲۰۲۵ اعلام داشته که نرخ گردشگری در امارات ۱۶.۷،

قطر ۲۰۶۹ و ایران ۸ میلیون نفر بوده و همین امر باعث شده تا ایران از میان ۱۱۹ کشور مورد مطالعه در زمینه گردشگری جایگاه ۷۹، امارت و قطر رتبه‌های ۱۸ و ۴۳ را به خود اختصاص دهند.

امارات و قطر در صدد هستند تا با عقد قرارداد با شرکت‌های خارجی از ابزارها و آموزش‌های مبتنی بر هوش مصنوعی برای بهبود خدمات دولتی خود استفاده کنند و این در حالی که در ایران استفاده از هوش مصنوعی در حوزه‌های محدودتری وجود دارد. ایران در زمینه هوش مصنوعی بر اساس مطالعات بانک جهانی در سال ۲۰۲۴ در جایگاه ۹۱، امارات در رده ۱۳ و قطر در رده ۳۲ قرار گرفته‌اند.

به دلیل اقتصاد بازار آزادی که در امارات و قطر نسبت به ایران وجود دارد، شاخص آزادی اقتصادی در سال ۲۰۲۵ بر مبنای مطالعات بانک جهانی به ترتیب ۷۱.۶، ۷۰.۲ و ۴۲.۵ برآورد شده است. به همین دلیل، این اقتصاد آزاد موجب گردیده تا نرخ بیکاری، بهره و تورم در امارات و قطر نسبت به ایران بسیار کمتر و قابل توجه‌تر باشد. ۲.۹۵٪، ۰.۱۳٪ و ۹.۶٪ نرخ‌های بیکاری، ۵.۴٪، ۳.۷۵٪ و ۲۳٪ نرخ‌های بهره، ۱.۶٪، ۱.۳٪ و ۴۴.۶٪ نرخ‌های تورم در سال ۲۰۲۳ ثبت شده‌اند.

کشور ایران با در اختیار داشتن یک دولت میانه و با نقش بیشتر متولی و تصدی‌گری در سال‌های بعد از انقلاب با استفاده از درآمدهای نفتی به بهبود صنایع نظامی-دفاعی خود پرداخته است. از این رو در این شاخص نسبت به امارات و قطر وضعیت بهتری در رتبه جهانی دارد و در جایگاه ۱۶ از بین ۱۴۵ کشور قرار گرفته و امارات و قطر به ترتیب جایگاه‌های ۵۴ و ۷۲ را به خود اختصاص داده‌اند.

نوع نگرش حاکمان کشورهای امارات و قطر در پنج دهه گذشته کاملاً گویای این مطلب می‌باشد که آنها توانستند با تغییر نقش دولت از نوع تصدی‌گری به نقش پرورشگری در ایجاد یک دولت توسعه‌گرا موفق حاضر شوند. این تغییر به حدی می‌باشد که اثر خود در سایر موارد توسعه نیز گذاشته که در جدول زیر که مربوط به شاخص ترکیبی توسعه (متشکل از ۳۸۰ شاخص و نماگر توسعه) می‌باشد به وضوح قابل مشاهده و بررسی است.

جدول شماره ۱. مقایسه شاخص‌های ترکیبی توسعه

ردیف	شاخص ترکیبی توسعه	اقتصادی	سیاسی	اجتماعی	فردی	زیست محیطی	رتبه جهانی ۲۰۲۱	رتبه جهانی ۲۰۲۲	رتبه جهانی ۲۰۲۳
امارات	۶۰.۱۴	۵۹.۵۷	۴۷.۴۶	۷۰.۱۵	۷۱.۹۵	۵۱.۵۸	۴۳	۴۱	۴۲
قطر	۵۷.۳۷	۵۶.۶۱	۴۵.۰۲	۶۴.۹۱	۷۰.۱۰	۵۰.۱۸	۵۷	۴۸	۴۷
ایران	۴۳.۰۳	۳۶.۲۲	۳۴.۱۰	۴۴.۹۶	۶۰.۰۴	۳۹.۸۴	۱۰۹	۱۱۶	۱۲۲
میانگین جهانی	۵۲.۸۳	۴۵.۲	۵۵.۷	۵۴.۵	۶۰.۰	۴۷.۶			

(درخشان و همکاران، ۱۴۰۳)

همان‌طور که در جدول فوق کاملاً مشخص است، در طول یک سال نمره شاخص‌های توسعه ایران از منظر اقتصادی، سیاسی و زیست محیطی بدتر شده و نمره شاخص‌های منظر اجتماعی و فردی بهبود پیدا کرده که نتیجه آن در شاخص ترکیبی توسعه نماینگر شده و ایران در سال ۲۰۲۳ نسبت به ۲۰۲۲، ۶ رتبه تنزل داشته است. این درحالی است که در وضعیت مشابه امارات و قطر با اتخاذ سیاست‌های صحیح در ایجاد نقش پرورشگری توانسته‌اند جایگاه‌های بهتری به ترتیب ۴۲ و ۴۷ در سطح جهانی به خود اختصاص دهند.

بحث و نتیجه

«دولت خودگردان» و «دولت خودگردان متکی بر جامعه» مهم‌ترین شاخص‌های دولت توسعه‌گرا از دیدگاه اوانز هستند. اگر خودگردانی متکی وجود داشته باشد، اجرای متوالی نقش‌های قابلیت‌پرورشگری آسان می‌شود ولی اگر خودگردانی متکی به صورت ناقص وجود داشته باشد رفتن از مرحله قابلیت‌پرورشگری دشوار خواهد بود. اگر خودگردانی بدون اتکا به جامعه باشد نقش تصدی‌گری جاذبه بیشتری پیدا می‌کند و فعالیت‌های تولی‌گری تشدید می‌شود. سیاست همگرای امارات و قطر در ایجاد نهادهای کارآمد و مطلوب نه تنها باعث حمایت از صنایع اقلیت داخلی بلکه همچنین زمینه را برای جذب و ورود محصولات و سرمایه‌گذاری بنگاه‌های خارجی را افزایش داده‌اند و این در شرایطی است که در ایران از بعد انقلاب ج.ا. سرمایه‌گذاری زیادی انجام نگرفته و آن موارد محدودی هم که وجود داشته‌اند به دلیل وضع تحریم‌های ظالمانه آمریکا همکاری خود را قطع نموده‌اند. از طرف دیگر، امارت و قطر با ایجاد یک بستر بین‌المللی مناسب در سال‌های اخیر توانسته‌اند جایگاه سیاسی بسیار خوبی برای خودشان در منطقه ایجاد کنند و بعضاً مشاهده شده که جهت حل و فصل کشورهای منطقه

نقش میانجی‌گری به خود می‌گیرند که همین امر باعث افزایش اعتبار آنها در سطح بین‌المللی شده است. از دیگر نقاط مثبت امارات و قطر این است که بین بخش خصوصی و دولتی همزیستی پدید آورده‌اند، کاری که ایران تا این لحظه با موفقیت کامل برخوردار نبوده و میان ساختارهای دولتی ایجاد شده جهت تسهیل امور و یا حتی برطرف کردن مشکلات عمومی مردم مشکلات زیادی وجود دارد و دلسوزانه به این امر رسیدگی نمی‌شود. از منظر اوانز، ایران در رده دولت‌های میانه قرار می‌گیرد. عملکرد دولت با میزان تقاضا هماهنگ نیست و کاستی‌ها اعتبار دولت را از بین برده است. در چنین وضعیتی ارتباط بین دولت و جامعه کار دشواری است. در مجموع، وضعیت توسعه ایران بسیار خطیر و پیچیده است و نهاد حاکمیت و جامعه در وضعیت مناسبی به سر نمی‌برند. بنابراین پیشنهاد می‌شود با ایجاد نهادهای مناسب در تبدیل نقش تصدی‌گری به پرورشگری دولت قدم‌های لازم هرچه سریع‌تر برداشته شود.

فهرست منابع

منابع فارسی

- ۱- آل مکتوم، شیخ محمد (۱۴۰۳). تاملی در باب شادکامی و مثبت‌اندیشی، ترجمه دکتر علی علی‌پناهی، تهران: بهار سبز.
- ۲- اوانز، پیت (۱۳۸۰). توسعه یا چپاول، ترجمه عباس زندباف و عباس منبر، تهران: طرح نو.
- ۳- اشرف نظری، علی؛ شهریاری، حیدر، و نوری اصل، احمد (۱۳۹۰). جهانی شدن و اقتصاد در کشورهای عرب منطقه خلیج فارس. فصلنامه علمی مطالعات خاورمیانه، ۱۹ (۱)، صفحه ۹-۳۴.
- ۴- تمدن جهرمی، محمدحسین (۱۳۸۳). رویارویی مکاتب اقتصادی، تهران: جهاد دانشگاهی.
- ۵- فرانکلین و همکاران (۱۳۹۴). ۲۰ تغییر بزرگ در سال ۲۰۵۰، ترجمه سعید ارکان زاده یزدی، آزاده اکبری، نسیم بنائی، فرزانه سالمی، کاوه شجاعی، صوفیا نصرالهی، نازلی نصرالهی و آزاده یکتایی. تهران: کارآفرین، چاپ اول زمستان.
- ۶- درخشان و همکاران (۱۴۰۳). کتاب توسعه ۱۴۰۲، تهران: کتاب شرق.
- ۷- کلیر، جیمز (۱۴۰۰). قدرت شروع ناقص، ترجمه سید ایوب کوبی و فرزانه حاج خلیلی، تهران: میلکان.
- ۸- لفت‌ویچ، آدریان (۱۴۰۰). دولت‌های توسعه‌گرا، ترجمه جواد افشار کهن. تهران: پبله.
- ۹- نقدی، فرزانه (۱۴۰۱). اقتصاد سیاسی خاورمیانه و جایگاه منطقه در سیاست جهان. فصلنامه علمی مطالعات خاورمیانه، ۲۹ (۴)، صفحه ۱۶۲-۱۷۲. DOR: ۲۰.۱۰۰۱.۱.۱۵۶۰۱۹۸۶.۱۴۰۱.۲۹.۴.۱۸.۰
- ۱۰- یوسفیان، آنا؛ سلطانی، علیرضا، و شیرزاد، حمیدرضا (۱۴۰۱). اقتصادهای نوظهور در نظم نوین جهانی و توسعه اقتصادی ایران. فصلنامه علمی مطالعات خاورمیانه، ۲۹ (۲)، DOR: ۲۰.۱۰۰۱.۱.۱۵۶۰۱۹۸۶.۱۴۰۱.۲۹.۲.۱۲.۰

منابع انگلیسی

- ۱- Dogan, M., & Pelasy, D. (eds) (۱۹۹۰). How to compare Nations: Strategies in Comparative Politics (۲nd edn). The University of Michigan, SAGE Publications.
- ۲- Eckstein, H. (۱۹۶۳). A Perspective on Comparative Politics, Past and Present, In H. Eckstein and D. E. Apter (eds), comparative Politics: A reader (*New York: University of California Press*), pp. ۳-۳۲. doi: ۱۰.۱۵۲۵/۹۷۸۰.۵۲۰.۳۲۸۷۵۴-۰۰۳
- ۳- Huntington, S. P. (۱۹۷۱). The Change to Change: modernization, development and politics, *Comparative Politics*, pp. ۲۸۳-۳۲۲. doi: ۱۰.۲۳۰۷/۴۲۱۴۷۰
- ۴- Myrdal, G. (۱۹۴۷). What's Development? *Journal of economic issues* vol. No: ۴, pp ۷۲۹-۷۳۶. Doi: ۱۰.۱۰۸۰/۰۰۲۱۳۶۲۴, ۱۹۷۴, ۱۱۵۰.۳۲۲۵

منابع اینترنتی

- ۱- <https://www.financemiddleeast.com/economy/abu-dhabis-non-oil-trade-hit-dh۳۰۶-billion-in-۲۰۲۴>
- ۲- <https://www.globalfirepower.com/countries-listing.php>
- ۳- <https://www.heritage.org/index/pages/all-country-scores>
- ۴- https://www.imf.org/external/datamapper/map/AI_PI@API/ADVEC/EME/LIC
- ۵- <https://irandoc.ac.ir/news/۵۹۳۵>
- ۶- <https://data.worldbank.org/indicator/>